

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

رسانه‌های سنتی در انقلاب‌های سیاسی اجتماعی
ارتباطات سنتی در جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی

مؤلف:

دکتر جواد نظری مقدم

بامقدمه

دکتر محمدعلی همایون

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: رسانه‌های سنتی در انقلاب‌های سیاسی اجتماعی: ارتباطات سنتی در جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی

مؤلف: دکتر جواد نظری مقدم

مقدمه‌نویس: دکتر محمدهادی همایون

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویراستار ادبی، نمونه‌خوانی و طراح جلد: محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: سپیدان تهران

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۸۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۶۰۲-۱

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: press@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir فروشگاه اینترنتی:

سرشناسه: نظری مقدم، جواد، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور: رسانه‌های سنتی در انقلاب‌های سیاسی اجتماعی: ارتباطات سنتی در جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی / مؤلف جواد نظری مقدم؛ با مقدمه محمدهادی همایون.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۶۰۲-۱

موضوع: ارتباط - ایران - تاریخ

موضوع: جنبش‌ها و قیام‌ها - ایران - تاریخ

موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق.

موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷

شناسه افزوده: همایون، محمدهادی، ۱۳۴۲ - مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ع ۹۴ الف / P ۹۲

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۷۷۸۰

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

۹.....	سخن ناشر.....
۱۱.....	مقدمه.....
۱۹.....	فصل اول. کلیات.....
۱۹.....	درآمد.....
۲۰.....	۱. مطالعات حوزه ارتباطات سنتی.....
۲۴.....	۲. مفهوم ارتباطات سنتی.....
۲۶.....	۳. ساختار و ابعاد ارتباطات سنتی.....
۲۶.....	۳-۱. مراکز و نهادهای ارتباطات سنتی.....
۲۶.....	۳-۲. پیام‌ها و محتوای ارتباطات سنتی.....
۲۷.....	۳-۳. ارتباط‌گران سنتی.....
۲۷.....	۳-۴. شیوه‌های ارتباطات سنتی.....
۲۸.....	۴. ویژگی‌های ارتباطات سنتی.....
۲۸.....	۴-۱. دامنه و سرعت انتقال پیام.....
۲۹.....	۴-۲. سهولت ارتباط.....
۳۰.....	۴-۳. عدم انحصار به زمان یا مکانی خاص.....
۳۰.....	۴-۴. میان‌فردی و رودررو بودن.....
۳۰.....	۵. ارتباطات سنتی در ایران.....

فصل دوم. ارتباطات سنتی در مشروطه	۳۳
درآمد	۳۳
۱. جنبش مشروطه	۳۳
۲. زمینه‌ها و علل آغاز نهضت مشروطه	۳۶
۱-۲. زمینه‌های فکری و فرهنگی	۳۶
۲-۲. زمینه‌های سیاسی اقتصادی	۳۷
۳. اهداف مشروطه	۳۸
۴. ارتباطات سنتی در مشروطه	۴۰
۱-۴. مهم‌ترین ارتباط‌گران سنتی مشروطه	۴۰
۱-۱-۴. مرجعیت و روحانیت	۴۰
۲-۴. مهم‌ترین مراکز ارتباطات سنتی در جنبش مشروطه	۴۴
۱-۲-۴. مسجد و منبر	۴۴
۲-۲-۴. بازار به‌مثابه مرکز ارتباطات اجتماعی در جنبش مشروطه	۴۸
۳-۴. مهم‌ترین شیوه‌های ارتباطات سنتی	۵۳
۱-۳-۴. آیین‌های ملی و مذهبی	۵۳
۲-۳-۴. گردهمایی‌ها و تجمعات	۵۸
خلاصه و جمع‌بندی	۶۱
فصل سوم. ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی	۶۷
درآمد	۶۷
۱. انقلاب اسلامی	۶۷
۲. زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب	۶۹
۱-۲. زمینه‌ها و عوامل فرهنگی و اجتماعی	۶۹
۲-۲. زمینه‌ها و عوامل سیاسی	۷۰
۳-۲. زمینه‌ها و عوامل اقتصادی	۷۲
۳. اهداف انقلاب اسلامی	۷۲
۴. ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی	۷۴
۱-۴. مهم‌ترین ارتباط‌گران سنتی	۷۵
۱-۱-۴. مرجعیت و روحانیت	۷۵
۲-۴. مهم‌ترین مراکز ارتباطات سنتی	۸۶

فهرست مطالب □ ۷

۸۶.....	۴-۲-۱. مسجد و منبر.....
۹۲.....	۴-۲-۲. بازار به مثابه مرکزی ارتباطی در انقلاب.....
۹۶.....	۴-۳-۳. شیوه‌های ارتباطات سنتی در انقلاب.....
۹۶.....	۴-۳-۱. آیین‌های مذهبی.....
۱۰۳.....	۴-۳-۲. گردهمایی و تجمعات.....
۱۰۴.....	۴-۳-۳. رسانه سنگی دیوار در انقلاب اسلامی.....
۱۰۵.....	خلاصه و جمع‌بندی.....
۱۰۹.....	فصل چهارم. تحلیل و نتیجه‌گیری.....
۱۰۹.....	درآمد.....
۱۱۰.....	۱. ارتباط‌گران سنتی.....
۱۱۴.....	۲. شیوه‌های ارتباطات سنتی.....
۱۱۵.....	۳. مراکز ارتباطات سنتی.....
۱۱۷.....	نتیجه‌گیری نهایی.....
۱۲۱.....	منابع و مأخذ.....
۱۲۹.....	نمایه.....

فهرست شکل‌ها

۱۱۱.....	شکل ۱. امام خمینی (علیه السلام) مرکز ثقل شبکه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی.....
۱۱۲.....	شکل ۲. عدم همسویی روشنفکران و علما در مشروطه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبرکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آن‌که ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیش‌گامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد، و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکا به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و

نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد
معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

از اوایل دوره ناصرالدین شاه، به تدریج ایده عقب ماندگی کشور نسبت به غرب در میان علما، دولتمردان و بازرگانان و دیگر گروه های اهل اندیشه شکل گرفت. نوعی نگاه مربوط به شخصیت هایی همچون امیرکبیر بود و نماینده نوع دیگر شخصیتی چون سید جمال الدین اسدآبادی بود که دیدگاه های او نیز یکی از نقاط عطف تاریخ رابطه اسلام و غرب به شمار می رود. تأکید گروه اول بر آبادانی ایران و گروه دوم بر عزت جهان اسلام بود، اما هر دو گروه محور تحلیل و برنامه خود را بر موضوع دولت و دولت های مسلمان قرار داده بودند. تنها در این میان جریان اصلی علم و تمدن در میان علمای حوزه بود که همچنان با لحاظ مسایل حکومت، جایگاه خود را در میان مردم حفظ کرده بود. جنبش تنباکو اصالت و قدرت این جایگاه را پیش تر به رخ دشمنان کشیده بود.

در این هنگامه بود که سرانجام برای مدیریت جریان غربی شدن ایران و آزادسازی نیروی متراکم و ذخیره شده اسلام و تمدن اسلامی، فراماسون ها وارد صحنه شدند. میرزا ملکم خان ناظم الدوله ارمنی از جمله این افراد بود که دیدگاه ها و اقدامات او منشأ بسیاری از تحولات بعدی قرار گرفت. وی مؤسس اولین لژ فراماسونی در ایران در سال ۱۲۶۸ش به نام «فراموشخانه» بود. روزنامه ها نیز به عنوان نماینده رسانه های توده آن دوره و اشاعه دهندگان ارزش ها و آموزه های تمدن غرب به این گروه پیوستند. این روزنامه ها که ابتدا در خارج از کشور انتشار می یافت و به ایران وارد می شد، اندک اندک در آن دوره تلاش کرد تا جای منبر و رسانه های سنتی را در ایران بگیرد. میرزا محمد صالح شیرازی که نخستین روزنامه را در ایران منتشر کرد (۱۲۵۳ش) یک فراماسونر بود. بدین گونه یک جریان روشنفکری بیمار و وابسته به غرب و فراماسونری، پیش از مشروطه و با تکیه بر

رسانه‌های مدرن در ایران متولد شد که همچنان افتان و خیزان به مأموریت خویش در حال حاضر در کشور ادامه می‌دهد.

شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۲۸۳ ش (۱۹۰۵م) بهانه‌ای شد برای این گروه که منشأ قدرت ژاپن را استقرار نظام مشروطه در این کشور اعلام کنند و ذوق‌زده به تبلیغ این نوع نظام حکومتی روی آورند. انقلاب روسیه و تأسیس مجلس در این کشور نیز که متعاقب شکست از ژاپن صورت گرفت، بر این اندیشه دامن زد. از سویی دیگر در صحنه واقعی جامعه وضعیت مردم هر روز بدتر می‌شد. ورود بی‌رویه کالاهای خارجی اقتصاد داخلی را از بین برده و ظلم‌و ستم مأموران مالیات همه را به ستوه آورده بود. عدم تکافوی مالیات‌های اخذ شده نیز مشکل دیگری بود که دولت را به استقراض از روس و انگلیس کشانده و ایران را هر روز بیشتر از روز قبل به دامن استعمار می‌انداخت. همه منتظر بودند تا اتفاقی بیفتد. در این اوضاع و احوال بود که ناصرالدین‌شاه در آستانه پنجاهمین سال سلطنت خود به وسیله میرزا رضای کرمانی ترور شد. ترور شاه - با هر انگیزه‌ای که صورت گرفت - زمینه را برای تحولی عمیق در جامعه ایرانی فراهم کرد.

ظاهراً ماجرا از این قرار بود که دوره طولانی سلطنت ناصرالدین شاه سبب استقرار بیش از حد او بر اریکه قدرت شده بود و امکان مدیریت هرگونه تحولی را در جامعه از صحنه گردانان اصلی گرفته بود. ترور وی با توجه به خالی بودن عرصه از افراد خوشنام و قدرتمند می‌توانست زمینه را برای مدیریت جریان تقابل با علما فراهم کند. این چنین بود که تصمیم گرفته شد ناصرالدین‌شاه ترور شود. با قتل شاه، ولی عهد و فرزندش مظفرالدین میرزا با جسمی بیمار و روحیه‌ای رفاه‌طلب و خوش‌گذران، از تبریز به تهران آمد و بر تخت نشست.

بی‌ارادگی مظفرالدین شاه زمینه را برای گسترش اعتراضات مردمی فراهم کرد و این وضعیت چیزی بود که امکان مدیریت منافقانه صحنه را به حزب شیطان - که اینک به قالب فراماسونری درآمده بود - می‌داد. پس از تعویض چند صدراعظم، نوبت به عین‌الدوله فراماسون رسید که داماد مظفرالدین‌شاه بود. او به سادگی و با چند برخورد مستبدانه و به ظاهر غیرمدرانه، توانست بر آتش مخالفت‌ها دامن زند و شرایط را برای یک قیام اساسی فراهم کند. مهاجرت صغری به دعوت آیت‌الله سید محمد طباطبایی و همراهی آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی، برای تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم، و مهاجرت کبری با حضور ایشان و سید عبدالله بهبهانی، و این بار با همراهی شهید شیخ

فضل الله نوری، با سفر به قم، مردم مسلمان را به صحنه کشید. در جریان مهاجرت کبری اتفاقی افتاد که بی شک سبب بسیاری از تحولات بعدی در به انحراف کشاندن نهضت مشروطه - اگر اصل آن را جریانی انحرافی ندانیم - شد. گروهی از تجار به توصیه آیت الله بهبهانی و با نامه و درخواست او از سفارت انگلیس، به این سفارت پناهنده شدند و به دنبال آنان صنفی نبود که در محوطه سفارت اقدام به برپایی یک یا دو چادر نکرده باشد. آمار پناهندگان به سفارت انگلیس را تا بیست و چهار هزار نفر ذکر کرده اند (صلاحی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). به دنبال این جریان، مهاجرت کبری که از ابتدا نجف و عراق را مقصد گرفته بود در قم متوقف و امور مشروطه از طریق بیانیه‌های متحصنان در سفارت پیگیری شد. همین بیانیه‌های انگلیسی بود که سرانجام وصف مجلس شورا را از اسلامی به ملی تغییر داد.

این حوادث سرانجام منجر به صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق) شد. با مرگ مظفرالدین شاه در ۱۹ دی همان سال، محمدعلی میرزا به سلطنت رسید. وی از همان ابتدا بنا را بر مخالفت با مشروطه گذاشت تا سرانجام دو سال بعد در تابستان ۱۲۸۷ش مجلس را با کمک مشاوران روس خود به توپ بست و دوره «استبداد صغیر» را آغاز کرد. این دوره یک سال و یک ماه بعد با مقاومت دلیرانه مردم تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان و سپس قیام مردم اصفهان و گیلان و در نهایت تصرف تهران در ۲۵ تیر ۱۲۸۸ خاتمه یافت. در جریان تصرف تهران نیز فراماسونری تمام تلاش خود را کرد تا نهضت مشروطه را همچنان از آن خود نگه دارد.

در آن زمان در نجف چهار مرجع بزرگ پس از میرزای شیرازی، در رأس قرار داشتند: آیت الله ملا کاظم خراسانی معروف به آخوند، آیت الله سید محمدکاظم یزدی، آیت الله تهرانی و آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی. این مراجع بزرگ برای براندازی حکومت محمدعلی شاه تصمیم به حرکت به سوی ایران گرفتند، اما روس و انگلیس برای جلوگیری از این حرکت، مهره‌های قدیمی خود یفرم‌خان ارمنی، حاج علی‌قلی خان بختیاری (سردار اسعد) و محمدولی خان تنکابنی (سپهدار اعظم) را به عنوان فاتحان تهران وارد این شهر کردند و ضمن بازگشت دادن مراجع، جریان مشروطه را در قبضه خود نگه داشتند.

حرکت وحدت‌آفرین علمای ایران به سمت عراق در جریان مهاجرت کبری از سوی سید عبدالله بهبهانی، و حرکت وحدت‌طلبانه علمای عراق به سوی ایران در

این جریان خنثی شد. این چنین بود که فراماسونری توانست با هدف تخلیه انرژی متراکم در جریان تمدن‌سازی اسلامی، جریانی را مبتنی بر آموزه‌های روشنفکری در ایران ایجاد، مدیریت و سرانجام به نفع خود به پایان برساند.

نخستین پیامد این اقدام، اعدام شیخ فضل‌الله نوری و شهادت ایشان بود. این جنایت در حالی صورت گرفت که هیچ‌کدام از سران استبداد نه تنها در معرض حکمی قرار نگرفتند که بسیاری از آنان به مناصب دولتی نیز گماشته شدند. این شهید بزرگوار از همان ابتدای نهضت متوجه غیرعادی بودن شرایط بود و همواره بر اصل حاکمیت اسلام و احکام آن در مبارزه و حکومت‌داری پافشاری می‌کرد. عدم حضور او در مهاجرت صغری نشانه‌ای بر این امر است. سرانجام حاکمان فراماسون تهران او را به جرم دفاع از شعار «مشروطه مشروع» به دار کشیدند. در نجف تنها سید محمدکاظم یزدی بود که از شیخ و نظرات او دفاع می‌کرد.

به دنبال شهادت شیخ، سید عبدالله بهبهانی از سوی انجمن‌های مخفی که از سوی سید حسن تقی‌زاده رهبری می‌شدند، ترور شد. سید محمد طباطبایی نیز پس از تهدید به ترور خانه‌نشین شد تا در گذشت. وی نیز ظاهراً همراه با پدر خود سید صادق، تحت تأثیر ملاقاتی پنج‌ساعته با ملک‌خان فراماسونر قرار گرفته بود. از سویی دیگر وی تحت تأثیر اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی بود و طالبوف را به دلیل داشتن اندیشه‌های روشنفکرانه غربی می‌ستود. طالبوف کسی بود که از سوی شیخ فضل‌الله به دلیل تفکراتش تکفیر شده بود.

در نجف نیز میرزا محمدحسین نایینی غروی که مهم‌ترین نظریه‌پرداز مشروطه دانسته شده است، پس از شهادت شیخ، همانند دیگر علمای مشروطه‌خواه نجف سرخورده شد و از جمع نزدیکان کناره گرفت. وی برای جبران مافات دستور داد تا نسخه‌های کتاب «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» را که در سال ۱۳۲۷ق (۱۹۰۹م) پیرامون مشروطه نوشته بود، جمع‌آوری کنند. مرحوم آخوند خراسانی نیز در پی اشغال ایران به وسیله روس و انگلیس بر اساس قرارداد ۱۹۰۷، علیه اشغالگران دستور جهاد داد و خود پیشاپیش علمای نجف آماده حرکت به سوی ایران شد. شب پیش از حرکت، این مرجع بزرگ نیز به صورت مرموزی در منزلش درگذشت. گزارش‌های زیادی از مسمومیت وی به دست مقامات بیگانه در دست است (صلاحی، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

در پایان داستان مشروطه و در پی فتح تهران، محمدعلی شاه به سفارت روسیه

پناهنده شد و احمد میرزا فرزند خردسالش با عنوان احمدشاه از سوی فاتحان فراماسون به پادشاهی انتخاب شد تا در جریانی دیگر جای خود را به حکومت استبدادی رضاخان دهد. مشروطه تنها خوابی آشفته بود که طی آن حکومت استبدادی و وابسته توانست در قالبی دیگر به حیات خود ادامه دهد. طراحان این نهضت تصور می‌کردند که با این اقدام زمینه قدرت‌گرفتن علمای مسلمان و ایجاد تمدن اسلامی را برای مدت‌ها در ایران از بین برده‌اند، اما انقلاب اسلامی خلاف این باور را اثبات کرد. مشروطه تنها عبرتی بود برای انقلاب اسلامی.

در یک تحلیل کلی از انقلاب اسلامی و نحوه مدیریت امام خمینی (ره) در این واقعه بزرگ تمدنی، و با نگاهی به آنچه پیش از آن از جمله ماجرای مشروطه، به‌عنوان عبرت در اختیار ایشان قرار گرفته بود یک نکته مهم قابل تأمل و تأکید است. همان‌گونه که گذشت بخش عمده‌ای از آنچه جریان فراماسونری در جریان مشروطه تعقیب می‌کرد در قالب رسانه‌های نوین و نماینده آن روزگار آن یعنی روزنامه‌ها بود. از زاویه‌ای تحلیلی می‌توان مشروطه را انقلابی دانست که در میانه راه دو گروه رسانه‌های نوین از سوی فراماسون‌ها و رسانه‌های سنتی از سوی مردم و علما در کشاکش بود. شاید با این چارچوب تحلیلی بتوان آنچه سرانجام در مشروطه اتفاق افتاد را نتیجه غلبه رسانه‌های مدرن بر سنتی دانست. اما در جریان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی پس از آن، هوشیاری امام خمینی در ایجاد پیوند و استفاده نظام‌مند از هر دو شبکه رسانه‌های سنتی و نوین در کنار یکدیگر پیروزی بهت‌آور انقلاب اسلامی و گسترش تمدن‌ساز آن را رقم زد.

شبکه سنتی رسانه‌ای از دیرباز در بین امت مسلمان و روحانیون وجود داشته و به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، نیازمند امکانات چندانی نیست و در زمان عدم دسترسی مسلمانان به حکومت و امکانات آن نیز فعال است. شاید بتوان گفت آنچه تاکنون اسلام را زنده نگه داشته، وجود همین شبکه سنتی است. البته مطلب مهمی که در خصوص این شبکه شایان ذکر می‌باشد، این است که این شبکه در صورت دسترسی به امکانات حکومتی، همانند آنچه در جریان انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، نه تنها از بین نمی‌رود و جای خود را یکسره به شبکه نوین نخواهد داد، بلکه با تلفیق و یکی شدن با آن، از امکانات آن استفاده می‌نماید و تشکیل یک شبکه بزرگ تبلیغات اسلامی را می‌دهند که به حق می‌توان آن را شبکه تبلیغاتی و ارتباطی اسلام نامید. در موفقیت عملکرد شبکه سنتی وجود دو رابطه بسیار کارساز است: یکی

رابطه عمودی یعنی رابطه مبلغ با خداوند و دیگری رابطه افقی به معنای رابطه مبلغ با مردم و امت اسلامی. در دومین سخنرانی‌ای که از حضرت امام (علیه السلام) برای ما به جا مانده است، دو جمله وجود دارد که می‌تواند این دو رابطه را به خوبی توضیح دهد. جمله اول که رابطه عمودی را بیان می‌نماید چنین است:

«به خدا متوجه شو تا دل‌های مردم به تو متوجه شود... راه به دست آوردن قلوب ملت این است. دل مردم مسلم با اسلام به دست می‌آید. رگ خوابشان را ما فهمیدیم. قلوب مسلمین را باید توسط اسلام جلب کرد. الی الله تظمئن القلوب. تمام قلوب دست خدا است. مقلب القلوب خدا است» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱).

این معنی که در اخلاق اسلامی نیز مشابه آن یافت می‌شود، نیازمند توضیحی کوتاه است. در فلسفه اسلامی یکی از نام‌هایی که بر خداوند متعال اطلاق می‌شود «مقلب القلوب» است، به معنای کسی که اختیار قلب‌ها در دست او است. به راستی اگر در دانش ارتباطات سخن از انتقال یا تجلی معنی است، چرا ما به سرچشمه و مبدع معانی باز نگردیم تا آنچه را او خواسته و در دل ما نهاده است، به دل دیگران نیز منتقل نماید. معنای مقلب القلوب چیز دیگری جز این نمی‌تواند باشد.

در واقع مهم‌ترین عامل در پیروزی انقلاب اسلامی، شخص امام خمینی و اصلاح رابطه او با خداوند بود. از میان انسان‌های آن دوره یکی توانست به مقام دریافت فیض الهی رسیده و بقیه را نیز بر اساس قاعده امامت و ولایت به دنبال خود بکشد. رهبری و به پیروزی رساندن چنین جریان عمیق، گسترده و بزرگی بدون ارتباط جدی و صاف با خداوند متعال و اولیای الهی و به ویژه وجود مقدس امام عصر (علیه السلام) ممکن نیست. امام خمینی (علیه السلام) در آغاز مبارزه ابتدا رابطه خود را با خدا اصلاح نمود و سپس فقط برای خدا قیام کرد. این علو مقام و نیت خالص تا پایان کار با امام بود و انقلاب را به پیش برد.

اما دومین جمله مورد بحث ما رابطه افقی را چنین توضیح می‌دهد:

«این اجتماع که برای دیگران خرج دارد، برای ما با یک کلمه تهیه می‌شود. مردم فهمیده‌اند ما دوست آن‌ها هستیم. مردم به دوستان علاقه دارند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۰؛ ج ۹: ۵۰-۵۱ و ج ۱۸: ۲۳۶).

تمامی سر این رابطه در یک مفهوم نهفته است: جلب اعتماد توده‌ها از راه اثبات با مردم و از مردم بودن. از اموری که امام در جریان رهبری انقلاب به شدت از آن محافظت کردند، جلوگیری از ورود گروه‌های گوناگون و با اندیشه‌های متفاوت به جایگاه رهبری انقلاب و خالص نگه داشتن این جایگاه بود. مخالفت با

دیدگاه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) و انجمن حجتیه در نجف اشرف از نمونه‌های این امر است. این موضوع مهم از آسیب‌های جدی مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت بود.

در مقابل، امام خمینی (ره) با درایتی الهی، خلأ حضور گروه‌های گوناگون را بر اساس همان رابطه افقی در شبکه ارتباطات سنتی، با عامل مهم و مؤثری به نام مردم پر کردند. در این راستا تمامی اقشار و اصناف مردم با شعار وحدت کلمه امام، به صحنه آمدند و نقش خود را در پیروزی انقلاب ایفا نمودند. این انقلاب نه انقلاب دانشجویان بود و نه انقلاب روحانیون، نه انقلاب بازاریان و نه انقلاب کارگران و نه انقلاب مختص به هیچ قشر و طبقه‌ای. از همین رو بود که پس از پیروزی انقلاب نیز هیچ صنف و قشری نتوانست انقلاب را از آن خود کرده و از اهداف اصلی منحرف سازد. نقش شبکه سنتی ارتباطات در این حرکت عظیم بی‌بدیل و غیرقابل وصف بود.

برادر بزرگوار و پژوهشگرم جناب آقای جواد نظری مقدم در کتاب حاضر که جای خالی آن در بررسی‌های تاریخی از یک سو، و در مطالعات ارتباطات به‌ویژه ارتباطات سنتی از سوی دیگر، بسیار نمایان بود، تلاش کرده‌اند تا این شبکه معجزه‌گر و کارآمد را در جریان دو نهضت بزرگ مردم ایران به رهبری روحانیان و برخوردار از انگیزه‌های دینی و عدالت‌طلبانه تعقیب نموده و تصویری منصفانه از آن ارائه دهند. موفقیت روزافزون ایشان را در این راه پرافتخار از خداوند متعال خواهانم.

محمدهادی همایون
دانشگاه امام صادق (ع)
پاییز ۱۳۹۶

فصل اول

کلیات

درآمد

یکی از مهم‌ترین و عمومی‌ترین انواع ارتباطات، ارتباطات سنتی است که ریشه در فرهنگ و هویت بومی جوامع دارد و همواره به‌عنوان یکی از عناصر مهم حیات اجتماعی نقش تعیین‌کننده و مهمی در شکل‌گیری هویت جمعی، بسیج افکار عمومی، ایجاد همدلی، تقویت روحیه همگرایی و نشر عقاید و ایده‌ها در سطح وسیعی دارد.

بررسی و مطالعه ابعاد مختلف و نقش و تأثیر ارتباطات سنتی در جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی، چند زمانی است که در سطح محدودی توجه بخشی از اندیشمندان حوزه ارتباطات را به کشف و شناخت هرچه بیشتر اجزا و عناصر آن معطوف نموده است.

با نگاه به تاریخ تحولات اجتماعی — سیاسی معاصر و چگونگی پیدایش جنبش‌های تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز مشروطه و انقلاب اسلامی در ایران، متوجه این حقیقت خواهیم شد که ارتباطات سنتی می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در این رویدادها قلمداد گردد.

مقایسه نقش و جایگاه ارتباطات سنتی در این دو رویداد و چگونگی بهره‌گیری ارتباط‌گران و رهبران جنبش از آن، در جهت پیشبرد اهداف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌های نقش و عملکرد شبکه ارتباطات سنتی در هر یک از دو جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی و چگونگی بهره‌گیری از آن، ما را در تبیین هرچه دقیق‌تر ظرفیت‌های عمیق و نقش ارتباطات سنتی در تحکیم شبکه ارتباطات

اجتماعی و ظهور جریان‌های تحول‌ساز اجتماعی یاری خواهد نمود. برای اینکه مطالعه در مورد نقش و جایگاه ارتباطات سنتی در این تحقیق ساده‌تر و مشخص‌تر شود سعی خواهیم نمود تا به بررسی مراکز و نهادهای ارتباطات سنتی فعال در دو جنبش، رویکردها و جهت‌گیری‌ها و ارتباط و چگونگی پیوند میان اجزای شبکه ارتباطی، ارتباط‌گران سنتی، شیوه‌های عملکرد ارتباطات سنتی و تأثیرات آن بپردازیم.

این نوشتار به منظور بررسی و ارایه تصویری گویا و منسجم در خصوص چگونگی تأثیرگذاری شبکه ارتباطات سنتی در طول تاریخ حرکت‌ها و جنبش‌های معاصر ایران اسلامی تهیه شده تا به گوشه‌ای از پرسش‌های متعدد موجود در زمینه چگونگی عملکرد این‌گونه از ارتباطات در تحولات سیاسی - اجتماعی جهان امروز پاسخ داده و اهمیت و جایگاه آن را بیش از پیش، تبیین نماید.

این اثر در واقع حاصل تلاش این حقیر در رساله دوره کارشناسی ارشد دوره معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) بوده است که با عنوان «بررسی تطبیقی نقش جایگاه ارتباطات سنتی در جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی» در سال ۹۰ تهیه و تدوین گردید. لذا لازم می‌دانم تا از همراهی دکتر همایون و دکتر جمالزاده که راهنمایی و مشاوره رساله را بر عهده داشتند کمال سپاس و امتنان را داشته باشم.

امید است این گام کوچک، حرکتی باشد در جهت زمینه‌سازی هر چه بیشتر به‌منظور بسط و توسعه ادبیات حوزه فرهنگ و ارتباطات در ایران اسلامی و ارایه تصویری انتظام‌یافته و هماهنگ از الگوهای ارتباطات سنتی و نیز مطالعات دقیق‌تر و مفصل‌تر بعدی در حوزه‌های مرتبط.

۱. مطالعات حوزه ارتباطات سنتی

علی‌رغم اهمیت ارتباطات سنتی و تأثیری که در روابط اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی ایران معاصر داشته است، تاکنون اثر جامعی در این زمینه که گویای همه ابعاد گسترده آن باشد تهیه و تدوین نگردیده است. ما در این جا سعی می‌کنیم تا تصویری هر چند مختصر، از مجموعه مکتوبات، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و آثاری که در رابطه با ارتباطات سنتی و نقش و تأثیر آن در جنبش‌های ملی و مذهبی تاکنون تهیه شده ارایه نماییم.